

پژوهشنامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 30, Spring & Summer 2022

شماره ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۱
صص ۱۴۱-۱۶۴ (مقاله پژوهشی)

علل و آثار تحریف در احادیث تاریخ و سیره از نگاه علامه عسکری

مجید معارف^۱، مریم اقبالیان^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۱۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۴/۴)

چکیده

از جمله حدیث پژوهان معاصر که با درک اهمیت پاکسازی احادیث تاریخی و سیره پای به عرصه پژوهش در این زمینه نهاد، «علامه سید مرتضی عسکری» است. وی در تألیفاتی که احادیث سیره و تاریخ را مورد نقد سندی و متنی قرار داده است، علاوه بر شناسایی و اصلاح احادیث تحریف شده؛ علل و آثار حاصل از این آسیب را ردیابی می نماید. عوامل تاثیرگذاری که او برشمرده را می توان به دو دسته سهوی و عمدی تقسیم کرد. علل سهوی عبارتند از: «اشتباه نویسندگان»، «تحریف سیره نبوی در پی اجتهادات خلفا در شرعیات» و «تحریف قهری تاریخی». علل عمدی مواردی چون «تعصبات قبیله ای»، «انگیزه مادی»، «میل به تفسیر به رأی روایات نبوی و آیات الهی»، «حسادت نسبت به حضرت علی علیه السلام و حذف وصایت او»، «تخریب چهره اسلام»، «همگامی با فرهیختگان عصر صدور»، «همگامی با عیاشان زمانه و پسند جمهور مردم» و «اسلام براندازی معاویه» می باشند. در نگاه علامه؛ تحریف اخبار، عواقب ویرانگری چون: «تحریف تاریخ واقعی اسلام»، «تثبیت سنت خلفا»، «تضعیف شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله»، «ورود آگاهانه اخبار محرفه در مصادر تاریخی متقدم»، «ضعف اعتبار مصادر متقدم اسلامی»، «سوءاستفاده خاورشناسان» و «عدم شناخت صحیح اسلام» را موجب گردیده است.

کلید واژه ها: تحریف، علل، آثار، احادیث تاریخ و سیره، علامه عسکری.

maaref@ut.ac.ir

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

۲. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران؛

eghbalian_m@yahoo.com

۱- بیان مسأله

یکی از آسیب‌های مرحله نقل حدیث، آسیب «تحریف» است که گونه «مزید فیه» آن از زیر شاخه‌های «جعل» حدیث محسوب می‌شود. (مسعودی، ۱۱۵) و گاهی از طریق جعل؛ تحریف‌هایی در برخی از حقایق رخ می‌دهد. به عنوان یک واقعیت از ابتدای تاریخ اسلام دست‌اندازی در احادیث و سیره پیامبر و ورود تغییراتی در گزارش‌های تاریخ اسلام و انبیاء به وضوح قابل رؤیت بوده و در مصادر علوم مختلف رخنه کرده است.

یکی از حدیث‌پژوهان معاصر علامه سیدمرتضی عسکری است. وی اهتمام ویژه‌ای در پاکسازی روایات تاریخی و سیره نبوی داشته است. با توجه به اهمیت شناخت تحریف در اخبار سیره و تاریخ و کوشش‌های علامه عسکری در این زمینه؛ این مقاله در صدد است با مراجعه به آثار ایشان روشن سازد که از نظر وی علل تحریف اینگونه اخبار چیست و نیز تحریف در اینگونه اخبار چه پیامدهایی دارد؟

لازم به ذکر است که؛ در بررسی‌های انجام شده هیچ‌گونه کار پژوهشی با این موضوع و مشابه آن یافت نگردید و این امر؛ بدیع بودن و ضرورت انجام این کاوش را تأیید می‌نماید.

۲- مقدمه

قبل از پرداختن به علل و آثار تحریف احادیث تاریخ و سیره از نظر علامه عسکری بیان نکته‌هایی ضرورت دارد.

۲-۱. تحریف

این واژه در لغت؛ از حرف به معنای کناره و لبه ریشه می‌گیرد و به معنای کج و خم کردن و تغییر دادن و از جایگاه خود بیرون بردن است. (الجر، ۸۱۹/۱ و ۸۲۱) در دانش حدیث، اصطلاح تحریف دست کم دو معنا دارد و در اینجا مقصود، دگرگون ساختن سند یا

متن برای اغراض نادرست است. (جدیدی‌نژاد، ۱۴۸؛ مامقانی، ۲۴۳/۱؛ مسعودی، ۵۹) و از آسیب‌های مرحله نقل حدیث محسوب می‌شود. کارشناسان علم رجال و درایه، این‌گونه احادیث و برخی را به اعتبار افزوده‌های نادرست و ساختگی «مزید فیه» و «محرّف» و گونه‌ای از احادیث جعلی دانسته و عامل آن را با تعبیر «یزید فی الحدیث» تضعیف کرده‌اند. (مسعودی، ۵۹ و ۱۱۵)

به نظر می‌رسد در نگاه علامه عسکری؛ بین آسیب «تحریف» و آسیب «جعل» یک مشابهت تنگاتنگ و شاید عینیت وجود دارد. چرا که در یکی از آثار خود «جعل» را هم عامل تحریف و هم اصل تحریف می‌خواند. (عسکری، نقش‌نامه در احیای دین، ۴۲۷/۱)

۲-۲. احادیث سیره و تاریخ

سیره: از نظر لغوی؛ سیره در زبان عربی از ماده «سیر» است، سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن. همچنین نوع راه رفتن. سیره بر وزن «فعله» است و در زبان عربی، دلالت بر نوع می‌کند. (ابن‌منظور، ۳۹۹/۶؛ عمید، ذیل واژه «سیره») برخی؛ «سیره» را به طریقه، هیئت و حالت معنا کرده‌اند. (ابن‌فارس، ۱۲۰/۳؛ طریحی، ذیل واژه «سیره») بنابراین در معنای سیره گونه‌ای دوام و استمرار نهفته است. (مطهری، ۴۷؛ زرین‌کوب، ۸۶-۹۰) از نظر معنای اصطلاحی؛ «سیره» عبارت است از «تداوم و استمرار سیرت و روش عملی مردم یا جمعی از آنان بر انجام دادن یا ترک کاری». (طه، ۲۱) با تحلیل مفهوم سیره و بررسی مصادیق آن در روایات؛ استمرار فعل یا ترک و داشتن منطق عملی - به جز در افعال عبادی - از مقومات سیره می‌باشد. در زبان عرب همه عوامل لفظی، عقلی و مقالی موجود در اخبار که نشانگر تداوم عمل است، می‌تواند مبین منطق عملی موجود در سیره به جای مانده از معصومان باشد. در اصطلاح مورخان صدر اسلام به معنای احوال و تاریخ زندگانی پیامبر بوده است. (ابوالفرج الاصفهانی، ۲۱/۲۲) در زمان حاضر کلمه «سیره» در بین اغلب دانشمندان به معنای روش و سبک پیامبر و به نحوه عمل کردن آن حضرت در زمینه‌های

گوناگون اطلاق شده است. نزد دانشمندان شیعه کلمه «سیره» علاوه بر نحوه عمل کردن پیامبر، روش زندگی اهل بیت را نیز شامل می‌شود. (مهریزی، مهدی؛ غلام‌حسین، میر، ۱۳۹۳) در نتیجه احادیثی که دارای چنین مشخصاتی باشند، «احادیث سیره» خوانده می‌شوند. نیز می‌تواند از مشاهدات صحابه و تابعین از فعله و نحوه افعال پیامبر باشد و یا نقل معصوم از پیامبر باشد. (سیدرضی، ۱۵۰)

تاریخ: این واژه در زبان‌های مختلف با مفاهیم متعدّد به‌کار می‌رود. در قرآن کریم و احادیث، واژه‌ی تاریخ به کار نرفته است. اولین بار این کلمه در منابع سده دوم دیده شده و از سده سوم به بعد کاربرد آن رایج گردیده است. درباره‌ی ریشه و اشتقاق آن میان لغویان اختلاف نظر وجود دارد در مورد معنای اصطلاحی تاریخ؛ برخی از اندیشمندان، تعریف «تاریخ» را امری سهل و ممتنع می‌دانند. اما آنچه میان صاحب‌نظران این عرصه مشهور است، وجود دو معنا در تعریف «تاریخ» می‌باشد. واژه‌ی «تاریخ» میان دو مفهوم «تاریخ به مثابه حوادث و وقایع» و «تاریخ به مثابه علم گزارش از حوادث و وقایع» یک مشترک لفظی است. (حضرتی، تأملاتی در چند مفهوم بنیادین دانش تاریخ)

بنابراین؛ احادیثی که به ذکر مکان و زمان و افراد دخیل و اصل وقایع دوران زندگانی انبیاء به خصوص پیامبر اسلام یا ائمه شیعه یا دوران صحابه و تابعین - در مکتب خلفا - بپردازد، در کتب حدیثی با نام «احادیث تاریخی» شناخته می‌شود. این احادیث ممکن است از زبان معصوم و یا از زبان مؤرخان روایت شده باشد.

۲-۳. علامه عسکری

علامه سیدمرتضی عسکری محقق برجسته‌ی شیعی در سال ۱۳۳۲ قمری در شهر سامراء پا به عرصه وجود گذاشت. در اصل اهل سبزوار بود. همه خاندان وی عالمان دین بودند. (ادیبی لاریجانی، ۶۱) از ده سالگی در حوزه سامراء و سپس در قم به تعلّم پرداخت. در این دوره، اولین بارقه‌ی یک تفکر اصلاحی و پیشرو در ایشان ظهور یافت که

علاوه بر دروس مرسوم، تدریس تفسیر، اعتقادات، نویسندگی، خطابه به زبان‌های فارسی و عربی و آشنایی با ادیان نیز در حوزه نیاز است. اما شرایط بد حاکم اجازه نداد که این فکر در آن زمان به طور کامل تحقق یابد.

آشنایی ایشان با تاریخ واقعه تنباکو در ایران و داستان حزب‌الوطنی سید جمال‌الدین اسدآبادی؛ همه عمر ایشان را به نوعی در مبارزه با بیگانه و استعمار و استبداد مصروف گرداند. پس از بازگشت به عراق؛ از حدود بیست سالگی به فعالیتهای مختلف علمی و اجتماعی پرداخت. از جمله آنها تأسیس مجموعه‌های آموزشی - تربیتی قبل از دانشگاه، تأسیس دانشگاه اصول‌الدین، انتشار دو مجله‌ی علمی «رساله الاسلام» و «المجتمع الاسلامی»، تأسیس حزب‌الدعوه، ایجاد ائتلاف و اتحاد میان قبایل شیعی عراق، تبدیل دسته‌جات عزاداری ایام محرم به یک عزاخانه یکپارچه در همه شهر، اصلاح مقتل‌خوانی، خرافه‌زدایی از دین همچون مقابله با قمه‌زنی.

علامه چند سال پس از هجرت به ایران در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی، مؤسسه‌ای با نام «المجمع العلمی الاسلامی» را جهت جمع مخطوطات قدیمی از کتاب‌های علمی علوم مختلف اسلامی از تمام نقاط جهان و انتقال اطلاعات موجود در مصادر اسلامی به کامپیوتر و تجدیدنظر در کلیه کتاب‌های درسی علوم اسلامی حوزوی، در تهران تأسیس کرد.

او از جمله بزرگانی بود که مستقیماً باب گفت‌وگو با مخالفان مذهبی، خصوصاً وهابیان را گشود و با سردمداران بزرگ وهابی همچون «بن باز» به بحث و گفت‌وگو نشست، وی که از اعتدال‌روی گسترده‌ای برخوردار بود، در گفت‌وگو با دگراندیشان از هر گونه اهانت و تحقیر خودداری می‌کرد. او بسیار مرد عمل بود و اصلی‌ترین دغدغه ایشان در تمام عمر، مردم و هدایت آنها بود (ادیبی لاریجانی، ۱۲۸ تا ۱۵۲).

همچنین جهت تلاش علمی و دینی به کشورهای آسیایی و اروپایی رفت و آمد می‌کرد. نکته این است که همه یا حداقل بسیاری از این کارها در عرض هم و یک تنه توسط شخص علامه انجام می‌شد.

به طوری که گذشت وی یکی از حدیث پژوهان معاصر بود. حاصل تلاشهای علمی او در تحقیق و نقد احادیث اعتقادی، تفسیری و به ویژه روایات تاریخی و سیره نبوی حدود چهارده اثر است. از آن جا که او قصد بازگویی حدیث و سیره منقول از پیامبر در علوم و معارف اسلامی را داشته و لازمه این امر؛ معرفت به زندگی اهل بیت پیامبر و صحابه او است. به این سبب؛ بررسی زندگانی هر دو را دنبال کرده به این نتیجه رسید که در روایت های سیره و تاریخ و حدیث تحریف بسیار چه در سند روایت و چه در متن روایت صورت گرفته است. (عسکری، خمسون و مائه صحابی مختلق، ۱۰/۱-۱۳؛ همو، الاسطورة السبئية، ۳۳/۱-۳۸) وی در ضمن بررسی روایات، به مذاقه در علل و آثار تحریف و جعل احادیث تاریخ و سیره پرداخته است.^۱

۳- علل و انگیزه های تحریف روایات تاریخی و سیره

تعداد قابل توجهی از آثار علامه عسکری به صحت سنجی و پاکسازی روایات تاریخی و سیره تعلق دارد. از جمله این آثار کتاب های «عبدالله بن سبأ و اساطیر اخری»، «أحادیث أم المؤمنين عائشه»، «خمسون و مائه صحابی مختلق»، «الاسطورة السبئية»، «سقیفه»، «علی مائده الکتاب و السنه» می باشد. البته در تألیفاتی که با محوریت مباحث اعتقادی هم داشته اند مانند «معالم المدرستین»، «نقش ائمه در احیای دین»؛ بنابه ضرورت مبحث، روایات سیره و تاریخ دیده می شود که مذاقه در آنها از نگاه علامه دور نمانده است. وی نقش ویرانگر تحریف و علل مختلف در ایجاد و اقدام به تحریف در این گونه روایات را مورد تأمل و ارزیابی قرار داده است.

در این پژوهش انگیزه ها و نقش مخرب «تحریف» در احادیث سیره و تاریخ از نگاه علامه عسکری رمزگشایی و با استخراج شاهد در هر مورد، ارائه می گردد علل تحریف در آثار علامه به دو نوع کلی قابل تقسیم است به شرح:

۱. جهت مطالعه بیشتر به مجموعه «ترم افزار آثار علامه» و کتاب «مرزدار مکتب اهل بیت» مراجعه شود.

۳-۱. علل سهوی

این علل خود از مواردی چند تشکیل شده که عبارتند از:

۳-۱-۱. اشتباه نویسندگان

از نظر علامه گاه اشتباه نویسندگان به طور سهوی؛ عامل تغییراتی در ثبت فرهنگ اسلامی شده است. به عنوان نمونه؛ بنا به روایات سیف در تاریخ طبری، نسب سه صحابی، «غوثی» آمده است. و در «استیعاب» به غلط «قرشی» و در «اسد الغابه» و «تجرید» «غرثی»، و در «اصابه» ابن حجر «عرنی» آمده است. و این در حالی است که در اصل ذکری از نام کوچک آنها - عکاشه، و عبدالله - نزد دانشمندان نسب شناسی که از بنی غوث بن طی سخن گفته اند - چون ابن حزم در جمهره و ابن درید در اشتقاق - وجود ندارد. فقط ابن ماکولا، سمعانی، ابن اثیر، ابن حجر، فیروزآبادی، زبیدی آنها را از صحابی رسول خدا دانسته اند. تاکنون هیچ یک از دانشمندان نسبت شناس قبایل مختلف عرب کسی را به عنوان غوثی معرفی نکرده اند. (عسکری، خمسون و مائة صحابی مختلق، ۱۲۴/۲-۱۳۲)

در مکتب اهل بیت این مزیت وجود دارد که جوامع حدیثی خود را برخلاف مکتب خلفا «صاح» نام گذاری نکرده اند و باب تعقل و بحث علمی و عرضه احادیث به قواعد درایه الحدیث در آنها باز می باشد و نویسندگان آنها را همانند معصومین به دور از خطا و نسیان نمی دانند. علامه در بررسی نسخ کتب حدیثی متقدم شیعی نیز اشتباه در نسخه برداری را مطرح و استخراج می کند. به عنوان مثال؛ احادیث هفتم، نهم، چهاردهم، هفدهم و هجدهم در کتاب الحجة اصول کافی (کلینی، ۵۳۱/۱ و ۵۳۳) را دارای اشکال می بیند. چنانکه فحوای متن حدیث هفتم و چهاردهم دلالت دارد بر اینکه؛ تعداد ائمه اهل بیت سیزده نفر - امام علی و دوازده امام از فرزندان وی - می باشند. در حالیکه همین روایات کافی را شیخ مفید در ارشاد (مفید، ۳۲۸)، طبرسی در اعلام الوری (طبرسی، ۳۶۹) و شیخ صدوق در کتابهای عیون اخبار الرضا (صدوق، ۵۶/۱) و الخصال (صدوق، ۴۸۰) اینگونه نقل کرده اند

که؛ امامان از آل محمد دوازده نفرند و اولین ایشان حضرت علی و یازده نفر دیگر، فرزندان امام علی هستند. در نهایت چنین نتیجه‌گیری می‌شود که ناسخان در نگارش حدیث در کافی دچار خطا شده‌اند. چرا که طبرسی روایات کتاب اعلام الوری را از کتاب الارشاد شیخ مفید گرفته است و متن این دو روایت در آن از کتاب الارشاد به درستی منتقل شده است. (عسکری، معالم المدرستین، ۳/۳۱۵-۳۵۱)

۳-۱-۲. تحریف در سنت نبوی در پی اجتهادات خلفاء در شرعیات

از جمله دلایل ورود سهوی تحریف در سنت نبوی، اجتهادات خلفاء در شرعیات مانند صدقه و خمس و عمره تمتع و متعه نکاح است.

به عنوان نمونه؛ برای فهم دقیق اجتهاد خلفا در مسئله خمس، ابتدا باید به تفحص در معنای اصطلاحات اسلامی «زکات، صدقه، انفال، غنیمت، خمس» پرداخت.

علامه در این ارتباط معتقد است که؛ زکات؛ در شرع اسلامی به معنی حق الله در مال بطور مطلق است. صدقه؛ به معنی چیزی است که هنگام به حد نصاب رسیدن طلا و نقره و غلات و چهارپایان واجب است از آنها خارج شود و همچنین فطریه روز عید فطر را هم شامل می‌شود. با تکیه بر مکتوبات نبوی و اینکه حکم زکات در آیات مکی و قبل از تشریع صدقه در مدینه نازل گردیده است، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که صدقه مانند خمس از انواع زکات محسوب می‌شود و مرادف یکدیگر نیستند. انفال؛ جمع نفل به معنی عطیه و هدیه و زیادت بر واجب است. غنیمت و مغنم؛ به معنی چیزی است که بدون زحمت به دست آید و یا با زحمت در جنگ با دشمن به دست آید که در ابتدا در کسب مال به طور مطلق و سپس در جنگ بدر برای آنچه که از اموال دشمن جمع شود، به کار رفته است. از آنجا که پرداخت خمس از مطلق مغنم واجب است و مسلمانان اجماع دارند بر این سیره پیامبر که از مال مستخرج از معدن و گنج خمس دریافت می‌کرد، پس خمس فقط به غنیمت به دست آمده در جنگ اختصاص نمی‌یابد. از مؤیدات دیگر سنت نبوی در معنا و

مصادیق خمس؛ دستور رسول خدا به قبیله عبدالقیس و دیگر قبایل عرب مسلمان شده و عهدنامه‌های ایشان به والیانشان است که ادای خمس از تمام مغانم و تمام آنچه که از مال به دست می‌آورند، واجب است. (عسکری، معالم المدرستین، ۲/۲۱۶-۲۲۸)

وی در ادامه می‌گوید: «اما در طول زمان و پس از گسترش فتوحات و منع خمس از اهل بیت پیامبر؛ معنا و مصادیق پرداخت و مصرف خمس نزد مسلمانان تغییر پیدا کرد و در نهایت مسلمانان - پیروان مکتب خلفا - حکم اصلی را به فراموشی سپردند و در تفسیر آیه مربوطه (آیه ۴۱ سوره انفال)، خمس فقط به غنائم جنگی اختصاص یافت و تعیین موارد مصرف آن هم منوط به اجتهاد خلفا گردید. در صورتی که نزد اهل لغت؛ تخصیص و تقیید این آیه مخالف معنای متبادر از لفظ است. همچنین در الخصال (صدوق، ۱/۳۱۲) از امام صادق با سند متصل ائمه از پیامبر نقل است که؛ پیامبر در وصیتش به علی فرمود: عبدالمطلب در جاهلیت پنج قانون گذاشت که خدا آنها را در اسلام جاری کرد و یکی از آنها خارج کردن خمس از گنج یافته شده و صدقه دادن آن است که خدا هم نازل نمود: «واعلموا ان ما غنمتم من شیء فان لله خمسهُ و للرسول و.....» (عسکری، معالم المدرستین، ۲/۳۰۳-۳۱۱).

۳-۱-۳. تحریف قهری تاریخی

علامه عسکری در بررسی سیر تطوّر کلمه «عبدالله بن سبأ» در تاریخ به این نتیجه رسیده است که؛ پس از انتشار افسانه سبّیه معنای اصلی و اولی کلمه «سبّیه» یعنی نسبت قبیلگی، در همه جا و در شهرهای اسلامی به‌طور کلی فراموش گردید و به همان معنای جدید اختصاص یافت و به‌طور اختصاصی، درباره کسانی که به وصایت و یا الوهیت حضرت علی معتقد می‌باشند، استعمال گردید. «عبدالله سبأ» نخست منظور همان «عبدالله بن وهب سبائی» بود که در عصر امام علی زندگی می‌کرد و در آخر ریاست گروه خوارج را به عهده گرفت سپس بعد از افسانه‌سازی سیف و انتشار افسانه سبّیه «عبدالله بن وهب

سبائی» فراموش گردید و کلمه «عبدالله سبأ» درباره یک مرد مرموز و موهوم یهودی که از یمن آمده بود و بنا به روایت سیف معتقد به وصایت حضرت علی بود به کار رفت، ولی به مرور زمان افسانه سبئی پیرایه‌های زیادی به خود گرفت و عبدالله بن سبأ قهرمان این افسانه نیز طبعاً صورت تندتر و خرافاتی‌تری پیدا کرد و در باره یک مرد خطرناک‌تر غالی و تندرو - که فرقه سبئی معتقد به الوهیت علی را به وجود آورده است - استعمال گردید.

این تغییر و تحول گاهی در فهم معنای بعضی از روایات باعث اشتباه گردیده است. چنانکه روایات و جریان‌های تاریخی و احادیث معصومان که راجع به «عبدالله اول» است گاهی در اشتباه لفظی درباره «عبدالله سبأ دوم» و ساخته سیف تأویل و تطبیق شده است و بدین صورت مطالب و وقایع تاریخی و بعضی احادیث معصومان به هم درآمیخته و تحریف قهری در تاریخ و حدیث به عمل آمده است و در اثر بی‌دقتی تاریخ‌نویسان این اشتباه و تحریف قهری در طول اعصار و قرون متمادی ادامه یافته و جنبه واقعیت به خود گرفته است. هزاران کلمه در فرهنگ اسلام به این سرنوشت مبتلا گردیده است و علما نیز در باره آنها کتاب‌ها نوشته‌اند که نیاز به بررسی بیشتری دارند. (عسکری، عبدالله بن سبأ و اساطیر آخری، ۳۷۱/۲-۳۷۲)

۳-۲. علل عمدی

۳-۲-۱. انگیزه‌های سیاسی

علامه در نشر تحریف‌ها و جعلیات موجود در افسانه عبدالله بن سبأ و سبئی، علاوه بر اشتباه در نسخ، انگیزه‌های سیاسی را هم مؤثر می‌داند. دلیلش را این می‌داند که؛ تحریف یا مخفی نگاه داشتن برخی از سیره و سنت نبوی، انتقادهای و ایرادهایی را که از جانب پیامبر ﷺ به برخی از صحابه‌شان متوجه می‌گردید، پرده‌پوشی می‌نماید و آنها را از این ایرادها پاک، منزّه و مبرا می‌سازد و این مطلبی است بسیار حساس و سیاسی که در تمام دوران‌ها، مورد علاقه قدرت‌ها و حکومت‌ها بوده است. مهم‌تر این که با جعل حدیث، به

مخالفین حکومت خلفا که شیعیان خاندان عصمت می‌باشند و در طول تاریخ تا به امروز، مخالف حکومت‌های عصر خود بوده‌اند، نسبت کفر و الحاد داده و آنها را خارج شده از دین معرفی می‌نماید. و خود این افسانه است که در گذشته راه حمله بر شیعیان را برای حکومت‌های وقت هموار ساخته و در اعمال هر نوع فشار نسبت به شیعه برای حکومت‌ها پشتوانه قوی و دست‌آویز محکمی محسوب گردید (عسکری، عبدالله بن سبأ و اساطیر اخری، ۴۱۲/۲ و ۴۱۳).

۳-۲-۲. منافع مادی

وی یکی از علل تحریف روایات پیامبر را «منفعت مادی» می‌داند. شاهد اینکه؛ در زمان عمر، در یکی از جنگ‌های مسلمانان (با رومیان) غنیمت‌هایی به دست آمد. در میان غنائم مقداری ظروف نقره بود. به فرمان معاویه آنها را برای تقسیم در میان مردم به فروش گذاشتند و یک مثقال از این ظروف را با دو مثقال درهم «سکه نقره» معامله می‌کردند که معامله‌ای ربوی و حرام بود. عبادۀ بن صامت، فریاد برآورد که من از رسول خدا شنیدم که از خرید و فروش طلا به طلا و نقره به نقره، جز به‌طور مساوی، نهی کرده می‌فرمود: هرکس در این‌گونه معاملات زیادتر بدهد یا بگیرد، گرفتار ربا شده است. چون معاویه از جریان آگاه شد، با ناراحتی، خطبه‌ای خواند و گفت: چه شده است که مردمان احادیثی از رسول خدا بازگو می‌کنند که ما، که آن حضرت را دیده و با او مصاحب بوده‌ایم، هرگز چنین سخنانی از وی نشنیده‌ایم؟! عبادۀ از جای برخاست و گفت: ما آنچه را که از پیامبر خدا شنیده‌ایم بازخواهیم گفت، اگرچه معاویه از آن ناخشنود و ناراضی باشد. (عسکری، سقیفه، ۱۶۲-۱۶۳)

۳-۲-۳. دشمنی یا حسادت نسبت به حضرت علی علیه السلام و حذف وصایت او

علامه این انگیزه را در مورد عایشه و برخی روایات وارده از وی بیان می‌کند. عایشه متناسب با وقایع مختلف تاریخی نیازمند ایجاد انزجار و نفرت صحابه نسبت به حضرت

علی علیه السلام بود. از جمله؛ در جریان شهادت پیامبر و جانشینی ابوبکر و نیز برای اینکه سپاه جنگ جمل را بر علیه او آماده سازد. بنابراین در برخی روایات به احتجاج با صحابه برخاسته تا شهرت امام علی به وصایت پیامبر در نزد مردم را زیر سوال ببرد. برای تحقق این مقصود؛ در برخی روایات وقتی از عایشه راجع به امام علی سوال شده، پاسخ داد که «من راجع به او چیزی نمی‌گویم» و در برخی روایات از لفظ «الرجل» بجای نام علی استفاده کرد. تأسف‌انگیزتر که با شنیدن خبر شهادت امام علی اظهار سرور و شادی می‌کند. در بررسی این دسته از روایات عایشه؛ آنها را مخالف با روایات متواتر دیگر صحابه می‌یابیم. نمونه آن؛ روایت کعب الاحبار از عمر است که در آن اذعان شده که پیامبر نه در حجره عایشه که در نزد و سینه علی جان به جان آفرین تسلیم کرد و مراسم تغسیل و تدفین وی توسط امام علی انجام گرفت و عایشه در حدیث معارض آن، تفرّد دارد. همچنین؛ حدیث عایشه در مورد عدم شهرت علی به وصایت پیامبر، معارض با احادیث متعدد و متواتری است که بیان می‌کند پیامبر از ابتدای رسالت و واقعه یوم الانذار تا پایان عمر مبارکشان و در واقعه غدیر بارها به طور علنی وصایت علی از پیامبر اسلام را مطرح کرده بود. (عسکری، معالم المدرستین، ۱/۳۲۵-۳۴۰)

تعدادی از اغراض تحریف روایات مربوط به فضائل و تشهیر وصایت علی از پیامبر، در قرون بعدی توسط برخی از صحابه و تابعین جهت تأیید خلافت خلفای ثلاثه و اعتبار راویان و منابع حدیثی آنها در اشکال مختلف ادامه یافت. از جمله این اشکال؛ حذف تمام خبر از سیره صحابه با اشاره به حذف یا عدم اشاره به آن، تأویل معنی حدیث به غیر معنای اصلی و حذف قسمتی از متن حدیث و تبدیل آن به کلمه مبهم است. مانند آنچه که طبری و ابن‌کثیر در تفسیر آیه «و انذر عشیرتک الاقربین...» انجام داده‌اند و از روایت تفسیری پیامبر ذیل این آیه؛ عبارت «و وصیی و خلیفتی فیکم» را حذف کرده و به کلمات مبهم «وکذا و کذا» تبدیل کرده‌اند (عسکری، معالم المدرستین، ۱/۳۹۴-۴۲۹).

۳-۲-۴. تعصب قبیله‌ای

از نگاه علامه «تعصب قبیله‌ای» در صدور روایات ساختگی و ورود آن در بین احادیث صحیح مؤثر می‌باشد. نکته این جاست که این تغییر در اصل واقعیت‌ها و جعل اکاذیب؛ منجر به تحریف‌های بزرگی در اصل اسلام و تاریخ اسلام گردیده است. علامه عسکری چون باور به این داشته که روحیه تعصبات قبیله‌ای عصر جاهلیت همچنان پس از اسلام در بین مسلمانان حاکم بوده است، لذا با این زاویه نگاه، به تحلیل روایات سیف در مورد جریان سقیفه می‌پردازد. و معتقد است که تعصب قبیله‌ای علت یا یکی از علت‌های جریان سقیفه است. (عسکری، عبد الله بن سبأ و اساطیر اخری، ۹۱/۱-۱۴۲) از نظر او؛ در روایاتی که سیف از صخر، نگهبان پیغمبر ﷺ در باره مخالفت خالد بن سعید اموی با بیعت ابوبکر نقل می‌کند، مبنی بر این که خالد که در حین وفات پیغمبر ﷺ در یمن بود و یک ماه پس از فوت آن حضرت به مدینه بازگشته است، می‌خواهد به مخالفت خالد با بیعت ابوبکر جنبه انتقام داده، سپس می‌گوید خالد به علی علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! و ای اولاد عبد مناف! در مبارزه شکست خوردید! یعنی چگونه قبیله تمیم در مبارزه با قبیله عبد مناف پیروز گردید؟! و علی پاسخ داد: مبارزه قبیله‌ای نبود، بلکه امر خلافت است و موضوع خلافت حساب‌اش از مبارزه قبیله‌ای و اعمال تعصب‌آمیز جداست! لیکن خالد دوباره تکرار کرد و گفت: ای اولاد عبد مناف! از شما سزاوارتر برای کار خلافت کسی نیست و مجدداً هدف را یک مبارزه قبیله‌ای نشان می‌دهد (عسکری، عبدالله بن سبأ و اساطیر اخری، ۱۶۰/۱).

۳-۲-۵. همگامی با علاقه‌مندان به جزئیات مسائل تاریخی

علامه عسکری از دیگر دلایل تحریف روایات تاریخ و سیره را «همگامی جاعلان با علاقه‌مندان به جزئیات مسائل تاریخی» می‌داند. زیرا؛ از طرفی دوست داران فرهنگ و ادب، در خلال روایت‌هایی مانند روایات سیف و سخنوری‌های بی‌همتا، و حماسه‌های

زیبا، به متون جالب پیمان‌های نظامی و قراردادهای صلح و آشتی و دستورهای هیئت‌های حاکمه وقت اطلاع می‌یابند. از طرف دیگر؛ علاقه‌مندان به تاریخ و جزئیات آن از روایت‌های سیف سود می‌برند. چرا که سیف بیش از هر تاریخ‌نویس دیگر وقایع را کاملتر شرح داده و از کوچک‌ترین موضوع نیز صرف نظر نکرده است. او در خبرسازی ماهر، و در وقایع‌نگاری و افسانه‌پردازی استادی متبحر است. برای نمونه، هیچ تاریخ‌نویسی چون سیف بن عمر تمیمی را نمی‌یابید که حتی تکان دادن دم اسب فلان سوارکار به هنگام عبور از دجله را توضیح دهد! (عسکری، خمسون و مائه صحابی مختلف، ۸۱/۱-۸۵).

۳-۲-۶. همگامی با عیاشان زمانه و پسند جمهور مردم

برای تحلیل‌گران حدیثی، دورنمای نگاه راوی قابل توجه است. علامه عسکری «همگامی با خوش‌گذرانان و عیاشان زمانه و پسند جمهور مردم» را به عنوان یک علت موجود در ذهن راوی و مؤثر در تحریف روایت برشمرده است. زیرا؛ ثروتمندان و خوش‌گذرانان جامعه در شب زنده‌داری‌هایشان از روایت‌ها و افسانه‌های سیف بهره‌وافری می‌بردند و بساط شادی و سرگرمی آنها را تکمیل می‌نمود.

در روزگاری که بازار تقال‌ها، با خواندن افسانه‌هایی مانند عنترة بن شداد، و ابوزید سروجی، و هزار و یک شب، و امثال آنها گرم بود، و ثروتمندان و ارباب نفوذ را سرگرم می‌کرد؛ اندیشمندان نیز به این فکر افتادند تا افکار و اندیشه‌های خود را به لباس داستان و افسانه در آورند، تا همه مردم آنها را بخوانند و دست به دست بگردانند. روی همین اصل گروه اخوان الصفاء افکار و اندیشه‌های خود را به صورت رساله‌هایی کوچک در میان مردم پخش کردند؛ و ابن طفیل افکارش را در لباس داستان حی بن یقظان زبان زد مردم ساخت؛ و ابن مقفع منظورش را با ترجمه کتاب کلیله و دمنه، و بالاخره سیف بن عمر با تألیف دو کتاب «فتوح و جمل» توانسته است حدود دوازده قرن همه این طبقات را به هر کجا که خودش خواسته بکشانند. در مقابل؛ احادیث صحیح و گفته‌های معتبر دیگران به

دست فراموشی سپرده شده و در بعضی از موارد به طور کامل از بین رفته است. (عسکری، خمسون و مائة صحابی مختلق، ۸۴/۱)

۳-۲-۷. تخریب هدفمند چهره اسلام

از دیگر عوامل تحریف که علامه بر آن باور دارد؛ «تخریب اسلام در دو جبهه اعتقاد و عمل» است. در نمونه زیر؛ سیف تحت پوششی از نشر مناقب به ساختن خشونت‌های غیرانسانی و خونریزی‌های بی‌حد و حصر برای خالد بن ولید در جنگ‌های «ذات السلاسل» و «ثنی» و «ولجه» و «الیس» و از بین بردن لشکر «آزادبه» در جنگ حیره می‌پردازد. و می‌گوید در حمله به «حصید» و «مصیح» و «ثنی» و «زمیل» و «فراض» قعقاع بن عمرو به کشتار وحشت‌انگیزی دست می‌زند و جنگ‌هایی که آنها برای اسلام و مسلمانان انجام داده‌اند را اینگونه معرفی می‌کند تا دشمنان به صورت حرب‌ای علیه اسلام به کار برند و بگویند اسلام به زور شمشیر پیش رفته است و همین تاریخ‌های تحریفی را در لباس وقایع تاریخی انتشار داده‌اند. و از طرف دیگر؛ سیف کاملاً می‌دانست عده‌ای از مسلمانان از هرچه که فضیلت برای صحابه باشد با آغوش باز استقبال می‌کنند و او نیز بر این عقیده تکیه نموده و در راه تخریب اسلام هرچه که می‌خواسته ساخته و تحویل مسلمانان داده است. باید توجه نمود که در حقیقت؛ این داستان‌ها نه تنها فضیلتی برای صحابه محسوب نمی‌شود، بلکه در واقع نکوهش آنان بوده و باعث تضعیف چهره اسلام و مسلمانان می‌شود. (عسکری، عبدالله بن سبا و اساطیر اخری، ۳۷۹/۲-۴۱۵).

۴- آثار ویرانگر تحریف روایات سیره و تاریخ

علامه عسکری در آثار تاریخی- روایی خود نمونه‌های بسیاری از روایات تحریف شده را مورد نقد و بررسی قرار داده و پرده از چهره حقایق برمی‌دارد. علاوه بر این؛ در بخشی از کتاب عبدالله بن سبا و اساطیر اخری و به‌طور پراکنده در تالیفات دیگرشان به

نتایج مخرب و جبران‌ناپذیر این‌گونه از روایات پرداخته و آنها را لکه‌های سیاهی می‌خواند که در تاریخ و فرهنگ اسلام از خیانت سیف بن عمر و مانند وی به یادگار مانده است و بر لزوم نقد و اصلاح آن صحنه می‌گذارد. از جمله آثار سوئی که برای آن برمی‌شمارد عبارتند از:

۴-۱. انحراف تاریخ واقعی اسلام

در بررسی تمامی روایات تاریخی و سیره دو کتاب «فتوح» و «جمل» سیف بن عمر، تحریفهایی که باعث انحراف تاریخ است، هویدا می‌باشد. افزودن گروهی از شاعران و حماسه‌سرایان، ذکر افتخارات و بزرگواری‌های قبایل مضر به‌طور عموم، و قبيله تمیم به‌طور خصوص، بالاخص تیره خود، جایگزین کردن عده‌ای چشم‌گیر از قبيله خود به‌عنوان صحابه رسول خدا، و فرماندهان سپاه و قهرمانان در نبردهای خیالی، قرار دادن راویانی خیالی در سلسله سند برای نقل افسانه‌های خود و نام بردن از شهرها و قصبات و اماکنی غیرواقعی ناشی از تعصب قبيله‌ای حاکم بر فضای فرهنگی و اجتماعی زمان صدور (روایات) بخشی از اقدامات سیف بوده که وی آنها را در متن تاریخ واقعی نشانده تا منقولات او با آلوده ساختن تاریخ صحیح اسلام و به هم ریختن شالوده و اساس آن، بیش از هزار سال هنوز به عنوان سندی حقیقی، و قاطع و معتبر، گویای وقایع حساس‌ترین سال‌های تاریخ اسلام باشد. (عسکری، خمسون و مائة صحابی مختلف، ۸۶/۱-۸۹؛ عبدالله بن سبا و اساطیر اخری، ۲۶۲/۱-۳۱۱).

۴-۲. تثبیت سنت خلفا

علامه عسکری یکی از آثار تحریف حدیث را؛ «تثبیت سنت خلفا» به عنوان یکی از منابع معتبر تعالیم اسلام - در کنار قرآن و سنت نبوی - ذکر کرده است. و دلیل آن را تغییر و تحول معیشت مردم عوام زمان خلفا می‌داند. چرا که؛ ساکنان مدینه - صحابه و غیر صحابه - به خصوص آنها که از قبایل انصار نبودند، قبل از عصر اسلام، در شرایط

نامناسب مادی قرار داشتند. ولی بعضی از همین افراد در زمان خلیفه دوم و سوم با یک فرمان، حکمران کشوری چون مصر، شام، عراق و ایران شدند. افرادی مانند ابوهریره، ابو موسی اشعری و عمرو عاص، گنج‌های کسری و قیصر در اختیارشان قرار گرفت. به طوری که بعضی به قدری پولدار و خوش‌گذران شدند که تصور آن برایشان سنگین بود. عدّه‌ای هم از روی ترس و تهدید مجبور به اطاعت از خلیفه بودند. قدرت خلیفه دوم به جایی رسیده بود که گفت: امروز غیر از خدا کسی بالاتر از من نیست. (طبری، ۲۷۶۴/۱) لذا طبق مکتب خلفا؛ هر چه خلیفه می‌گفت، قانون اسلام و سنت تلقی می‌شد. خلفای ثلاثه با اجتهاد خود احکامی را تغییر دادند و خلفای بعد از آنها، اعمال خلفای قبلی را تأیید کردند و سنت‌های آنها را تثبیت نمودند. تا جایی‌که در زمان معاویه به نقل از پیامبر اکرم روایت می‌شد که: «بر شما باد عمل به سنت من و سنت خلفای راشدین بعد از من.» (احمد بن حنبل، ۱۲۶/۴ و ۱۲۷؛ دارمی، ۴۴/۱-۴۵) با این روایت مدارک شرع اسلام، قرآن و سنت پیامبر و سنت خلفای ثلاثه گردید. نظیر این حدیث محرف، حدیث محرف دیگری است که از پیامبر روایت کردند: «اصحاب من مانند ستارگان هستند؛ از هر کدام پیروی کنید، هدایت می‌شوید.» (ابن قایماز الذهبی، ۴۱۳/۱ و ۶۰۷؛ ابن حجر العسقلانی، ۵۸۸/۲) و به این ترتیب؛ اعمال و اجتهادات خلفا جزء سنت و عقاید لازم‌الاجرا شد.

حضرت علی و سایر ائمه، هر چند توانستند با روشنگری‌های خود، اسلام صحیح را به جامعه عرضه کنند، اما نتوانستند همه مردم را به اجرای آن وادار سازند و بخش عظیمی از مسلمین تا امروز، به احکامی که خلفا بنابر رأی و اجتهاد خود تغییر داده‌اند، پایبندند. حضرت علی خطبه‌ای در شکایت از تغییر احکام به دست خلفای قبل از خود دارد و از اینکه خود خلیفه شده است ولی به تصحیح و بازگرداندن آن احکام قادر نیست، گله و شکایت می‌کند.

(عسکری، نقش ائمه در احیای دین، ۴۹۳/۲-۵۰۵؛ سیدرضی، خطبه شقشقیه، ۲۶)

چنانچه در قبل اشاره شد تغییر احکام در مکتب خلفا بیشتر به مسائل خمس، عمره تمتع و متعه نکاح و مربوط می‌باشد (عسکری، معالم المدرستین، ۳۰۳/۲-۳۱۱).

۴-۳. تضعیف اعتبار پیامبر

یکی از آثار برخی از تحریف‌های تاریخی و سیره؛ تضعیف شخصیت پیامبر است. این آسیب به دنبال خود «تخریب چهره اسلام در دو جبهه اعتقاد و عمل» و «بالا بردن وجهه حکام بعد از او» را به همراه داشت. شاهد آنکه؛ در برخی مصادر حدیثی مکتب خلفا، احادیثی در باب عروسی‌های مسلمانان وجود دارد و اعمالی که از پیامبر اکرم در این عروسی‌ها سر زده است که نشان می‌دهد پیامبر رقص و آواز را دوست داشته است. همچنین در صحیح بخاری در موضوع همنشینی با زنان بیگانه و در باب «ضرب الدف»، از کتاب نکاح، و نیز در «الطبقات الکبری» چنین روایاتی نقل شده است. (بخاری، ۱۶۷/۳ و ابن سعد، ۳۲۸/۸)

در مقابل این روایات؛ در متون معتبر حدیثی مکتب خلافت، روایات دیگری متفاوت با این مضامین وجود دارد. از جمله اینکه؛ مجاهد می‌گوید: «من با عبد الله بن عمر همراه بودم. در میان راه صدای طبلی به گوش رسید. عبدالله دو انگشت خویش در گوش کرد و مدتی راه پیمود تا از آن مکان دور شد. سپس دست را درآورد. باز صدای طبل را شنید، دیگر بار دست در گوش کرد. این عمل سه بار تکرار شد. آنگاه عبد الله گفت: راه و رسم عملی پیامبر چنین بود.» (عسکری، أحادیث أم المؤمنين عائشه، ۲۱۵/۲-۲۲۰) همچنین در ذیل آیه کریمه: وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ (آیه ۶ سوره لقمان) از عایشه نقل می‌شود: «پیامبر خرید و فروش کنیزک آوازه‌خوان (مغنیه)، و تعلیم آوازه‌خوانی به او را حرام کرده است.» (الطبری، ۳۹/۲۱-۴۰؛ و القرطبی، ۵۱/۱۴ و ۵۲ و ۵۳؛ و ابن کثیر، ۴۴۱/۳-۴۴۲؛ و السیوطی، ۱۵۹/۵-۱۶۰).

نمونه دیگر اینکه؛ در احادیث مکتب خلافت روایات دیگری آمده است که بینش خاص ناشی از این احادیث در مکتب خلافت، چنین القاء می‌کند که، پدران و اجداد پیامبر کافر و بت‌پرست بودند؛ در حالی که دیگران پیرو دین حنیف ابراهیم بودند. شخص پیامبر هم، مانند پدرانش عمل می‌کرد؛ زیرا او از گوشت قربانی که برای بت‌ها کشته بودند،

می‌خورد و حال آنکه حنیفیان از خوردن چنین غذاهایی پرهیز می‌نمودند. و می‌نمایانند که چنین کسانی در عصر جاهلیت، از پیامبر برتر بودند! پیامبر آیاتی از قرآن را هنگام قرائت جا می‌اندازد؛ زیرا آنها را فراموش کرده است. تا اینکه قرائت قاریان دیگر، آن آیات را به یادش می‌آورد. بنابراین، حافظه دیگران از او بهتر، و از پیامبر افضل‌اند. علت انتشار چنین احادیث در مکتب خلافت و تضعیف شخصیت پیامبر، زندگانی مادی و سراسر لهو و لعب و فسق و فجور و تبهکاری خلفای اموی و عباسی و غوطه‌وری ایشان در کسب لذات و شهوات، با مقام خلافتی که مدعی آن بودند- جانشینی پیامبری معصوم و منزّه از این اعمال- منافات و تناقض تامّ داشته است. بدیهی است که این تناقض، لطمه بزرگی به کیان حکومتشان وارد می‌کرده است. بنابراین لازم بود در این مکتب، احادیثی به پیامبر نسبت داده شود که رفتار ایشان را در جانشینی پیامبر توجیه کرده و مشروع جلوه دهد. (عسکری، نقش ائمه در احیای دین، ۱/۳۵۷-۳۶۵؛ نقش عایشه در تاریخ و احادیث اسلام، ۴/۶۹-۷۶) و گرچه جعلی بودن برخی از این اخبار واضح است اما در حقایق و مفاهیم اصلی دین اسلام تحریفهای ویرانگری ایجاد کرده است.

ع-۴. ورود آگاهانه اخبار محرفه در مصادر تاریخی متقدم

علامه عسکری؛ به قطع و یقین باور دارد که همه افتراهای سیف برای طبری و ابن اثیر و ابن کثیر و ابن خلدون و ده‌ها مورخ دیگر مانند ابن‌عبدالبر، ابن عساکر، ذهبی و ابن حجر روشن بوده است. زیرا همه آنان با کفر و زندقه و با هدف‌های فاسد و پلید وی آشنایی داشتند، زیرا اینان؛ همان مورخانند که او را دروغ‌گو و شایعه‌ساز معرفی کرده و کافر و زندیق خوانده‌اند و دلیل دیگر این که در جنگ «ذات السلاسل» در گفتار طبری، ابن اثیر و ابن خلدون آمده است که آنان می‌گویند گفتار سیف درباره این جنگ مخالف حقیقتی است که اهل تاریخ و سیره در این مورد آورده‌اند، بنابراین همه این تاریخ‌نویسان از دروغ و زندقه سیف اطلاع داشتند. اما علیرغم این اطلاع و آگاهی، به روایات وی اعتماد نموده‌اند. (عسکری، عبدالله بن سبا و اساطیر آخری، ۲/۳۷۹-۴۱۵).

۴-۵. ضعف اعتبار مصادر متقدم اسلامی

بسیاری از تحریفات ذکر شده به دیده اعتماد، در کتب معتبر و دست اول مسلمانان و در مدارک وقایع نگاران و جغرافی نویسان اسلامی، به طور گسترده راه یافته است. حتی مورخان و دانشمندانی که با دیده تجزیه و تحلیل در تاریخ می نگرند، از جمله ابن عبد البر، در کتاب خود «الاستیعاب فی اسماء الاصحاب» و ابن اثیر، در کتابش «اسدالغابة فی معرفة الصحابة» و ذهبی، در کتابش «تجريد اسماء الاصحاب» و ابن حجر، در کتابش «الاصابة فی تمیيز الصحابة» و ابن عساکر، در «تاریخ مدینة دمشق»، قسمت عمده آن اسمها را در شمار ترجمه اصحاب رسول خدا ﷺ آورده اند. در صورتی که صاحبان این نامها وجود خارجی نداشته و نامشان نیز، فقط در داستانهای سیف دیده می شود و نسب و کنیه شان معلوم نیست. (عسکری، عبد الله بن سبأ و اساطیر اخری، ۱/ ۲۶۲-۳۱۱) و مجموع این حقایق موجب ضعف و بی اعتباری بسیاری از منابع متقدم اسلامی شده است.

۴-۶. سوء استفاده خاورشناسان

موضوع دیگر آنکه بسیاری از اسلام شناسان اروپایی، به اینگونه احادیث تکیه کرده و برای اعمال اغراض خود، به آنها چنگ زده اند. مبشران مسیحی و خاخامهای یهودی، در تحقیقات شرقی و اسلامی خود خواسته اند که قرآن را ساخته فکر و دست بشر قلمداد کنند و وحی را نفی نمایند، و اسلام را یک پدیده زمینی - فنومن اجتماعی - معرفی کنند. در پی انجام این هدف بهتر آن بود که از مدارک اسلامی دلیل بیاورند. اما چون هدف و غرض خود را در مدارک و مصادر معتبر اهل بیت نیافتند، از آنها روی گردان شدند و به مدارک مکتب خلافت روی آوردند. البته در این مکتب هم به احادیثی تکیه کردند که به وسیله آنها می توانستند به هدف خود نائل شوند و روایات صحیح مکتب خلافت را که با اهدافشان متناقض بود، به هیچ وجه مورد توجه قرار نمی دادند. (عسکری، نقش ائمه در احیای دین، ۱/ ۳۵۷-۳۶۵).

۷-۴. عدم امکان شناخت صحیح اسلام

طبق دیدگاه علامه عسکری؛ به دنبال دگرگونیها و تغییراتی که در اخبار به ویژه روایات سیره و تاریخ رخ داده است، پی بردن به اسلام صحیح در حدّ محال است و وجود آن احادیث دروغ باعث گردیده که اسلام بد آموخته شود (عسکری، خمسون و مائة صحابی مختلف، ۱۳-۱۰/۱ و الاسطورة السبئية، ۳۳/۱-۳۸).

البته وقوع این گونه حوادث در برخی روایات معتبر در مصادر حدیثی مکتب خلفا و حتی اهل بیت علیهم السلام پیش بینی شده است. رسول خدا در پیروی این امت از سنن ادیان پیشین و امت های قبل در تمام کارها و رفتارهای ایشان خبر داده است. یکی از اموری که در امت های پیشین اتفاق افتاده تحریف سیره و تعالیم دینی آن پیامبران بوده است و بالطبع و مطابق با حکم عرف عقلی پیروی از امت های قبل، منتج به جعل و تحریف سیره نبوی خواهد بود و نیاز به کشف و اصلاح دارد. شیخ صدوق در کتاب «اکمال الدین» از قول امام جعفر صادق از قول پدران بزرگوارش روایت کرده است که رسول خدا فرمود: «قسم به آن کس که مرا به راستی به نبوت و بشارت دهنده برانگیخته است، که امت من بی هیچ تفاوتی همان راه پیشینیان را در پیش خواهد گرفت، بدان سان که اگر در بنی اسرائیل ماری به سوراخی فرو شده باشد، در این امت نیز ماری به همان سوراخ فرو خواهد شد!». همچنین در مسند (احمد بن حنبل، ۳۵۹/۲۸) و مجمع الزوائد (هیثمی، ۲۶۱/۸) به از نقل طبرانی در حدیثی «شداد بن اوس» از رسول خدا آمده است که: شرار این امت قدم به قدم روش اهل کتاب پیش از خود را در پیش خواهند گرفت. و تاریخ ثابت کرده است که در این دست کاری، امت اسلام درست پا جای پای امت های پیشین نهاده است. (عسکری، خمسون و مائة صحابی مختلف، ۴۸/۲-۵۴)

۵- نتایج مقاله

۱-۵. حاصل این تحقیق گویای آن است که «اشتباه نویسندگان» و «تحریف قهری

ناشی از اعتماد به منابع متقدم» و «اجتهادات خلفاء در شرعیات» از علت‌های سهوی تحریف روایات تاریخ و سیره می‌باشد. و عوامل عمدی عبارتند از: «انگیزه‌های سیاسی»، «منافع مادی»، «اسلام براندازی معاویه»، «دشمنی یا حسادت نسبت به حضرت علی و حذف وصایت او»، «تعصب قبیله‌ای»، «همگامی با علاقه‌مندان به اخبار تاریخی عصر خود»، «همگامی با عیاشان زمانه و پسند عوام»، «تمایل به تفسیر به رأی در آیات الهی»، «تخریب اسلام در دو جبهه اعتقاد و عمل».

۲-۵. آسیب تحریف روایات تاریخ و سیره؛ تأثیر نامطلوبی در شناخت چهره واقعی اسلام و شخصیت والای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشته و در مکتب خلفا؛ سنت ایشان را در کنار قرآن و سنت معصومان به عنوان منبع شناخت احکام تثبیت نموده است. این موارد به‌طور سهوی یا آگاهانه در مصادر علوم مختلف اسلامی وارد شده و موجب ضعف اعتبار مصادر متقدم اسلامی گشته است. برخی معاندان بخصوص خاورشناسان در عصر حاضر با بی‌توجهی عامدانه به منابع و روایات معتبر و تکیه بر روایات محرف و جعلی، سعی بر رواج اسلام‌گریزی جهانی و ایجاد شبهات ساختاری در فرهنگ غنی اسلام نموده و کار شناخت و معرفی جهانی اسلام ناب را بر مبلغین و بشریت دشوار نموده‌اند.

۳-۵. در نهایت؛ این ضرورت احساس و تأکید می‌گردد که آحاد مسلمین و به‌ویژه اندیشمندان و محدثان معاصر مکلف‌اند که در مسیر شفاف‌سازی و ارائه تاریخ حقیقی دوران نبوت و امامت و رونمایی از سیره و سنت قولی و عملی معصومان جهادگونه و با سازماندگی قوی و سریع اقدام نمایند.

کتابشناسی

۱. قرآن.
۲. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى بیروت، محقق: عطا، محمد عبدالقادر، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰هـ.ق.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام، هارون، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۱هـ.ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، مصحح: میر دامادی، جمال الدین، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴هـ.ق.
۵. ادیبی لاریجانی، محمد باقر، مرزدار مکتب اهل بیت، قم، دانشکده اصول دین، ۱۴۲۹هـ.ق.
۶. اصفهانی، علی بن الحسین ابوالفرج، الاغانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵هـ.ق.
۷. ابن حجر عسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی، لسان المیزان، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰هـ.ق.
۸. ابن حنبل، احمد، المسند به تحقیق احمد محمد شاكر، قاهره، ۱۴۱۶هـ.ق.
۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹هـ.ق.
۱۰. الجرّ، خلیل، فرهنگ لاروس، مترجم: سید حمید طیبیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۱هـ.ش.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، مصر، الاسلامیه، ۱۴۱۰هـ.ق.
۱۲. جدیدی نژاد، محمد رضا، معجم مصطلحات الرجال والدراية، دار الحديث، ۱۳۸۲هـ.ش.
۱۳. حضرتی، حسن، تأملاتی در چند مفهوم بنیادین دانش تاریخ، مجموعه مقالات، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۲هـ.ش.
۱۴. دارمی، أبو محمد عبدالله بن عبد الرحمن، مسند الدارمی المعروف بسنن الدارمی، بیروت، ۱۴۳۴هـ.ق.
۱۵. دانشنامه جهان اسلام، مدخل «تاریخ/ تاریخ نگاری، بخش اول».
۱۶. ذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دار المعرفة، ۱۳۸۲هـ.ق.
۱۷. زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷هـ.ش.
۱۸. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد، قم، ۱۳۷۹هـ.ش.
۱۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، تهران، انتشارات اسلامیه و جعفری، ۱۳۷۷هـ.ق.
۲۰. همو، تاریخ الخلفاء، المحقق: حمدی الدمرداس، مکتبه نزار مصطفى الباز، ۱۴۲۵هـ.ق.
۲۱. صدوق، محمد بن علی، الخصال، ترجمه مدرس گیلانی، مرتضی، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲هـ.ش.
۲۲. همو، عیون أخبار الرضا، مصحح: لاجوردی، مهدی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸هـ.ق.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۰هـ.ق.
۲۴. طبری، محمد بن جریر بن یزید، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری)، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲هـ.ق.
۲۵. همو، تاریخ الرسل و الملوك، تهران، اساطیر، ۱۳۶۲هـ.ش.
۲۶. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵هـ.ش.
۲۷. عسکری، سیدمرتضی، نقش ائمه در احیای دین، تهران، مرکز فرهنگی منیر، ۱۳۸۲هـ.ش.
۲۸. همو، الاسطورة السنیة، قم، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لأهل البيت، ۱۴۲۴هـ.ق.
۲۹. همو، خمسون و مائة صحابی مختلق، قم، کلیه اصول الدین، ۱۴۲۶هـ.ق.
۳۰. همو، سقیفه: بررسی نحوه شکل گیری حکومت پس از رحلت پیامبر، قم، دانشکده اصول دین ۱۳۸۷هـ.ش.
۳۱. همو، عبد الله بن سبأ و اساطیر اخرى، تهران، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۷هـ.ق.
۳۲. همو، علی مائده الكتاب و السنة، تهران، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۸هـ.ق.

۳۳. همو، معالم المدرستین، قم، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لأهل البيت، ۱۴۲۶ ه.ق.
۳۴. همو، نقش عایشه در تاریخ و احادیث اسلام، قم، دانشکده اصول دین، ۱۳۹۰ ه.ش.
۳۵. همو، احادیث أم المؤمنین، قم، کلیه اصول الدین، ۱۴۲۵ ه.ق.
۳۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، نشر سیهر، ۱۳۸۰ ه.ش.
۳۷. قرطبی، تفسیر القرطبی، تصحیح: أحمد عبد العليم البردونی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، مترجم: مصطفوی، تهران، علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ ه.ش.
۳۹. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایه فی علم الدرایه، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، بی تا.
۴۰. مسعودی، عبدالهادی، آسیب شناخت حدیث، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۹ ه.ش.
۴۱. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰ ه.ش.
۴۲. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مصحح: مؤسسه آل البيت، قم، ناشر: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه.ق.
۴۳. مهریزی، مهدی و میر، غلامحسین، مقالة قواعد شناسایی احادیث سیره نزد فریقین، ۱۳۹۳ ه.ش.
۴۴. هیشمی، أبوالحسن نورالدین علی بن أبی بکر بن سلیمان، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، المحقق: حسام الدین القدسی، القاهرة، مكتبة القدسی، ۱۴۱۴ ه.ق.

نرم افزار و سایت

۴۵. نرم افزار آثار علامه عسکری.
۴۶. نرم افزار جامع الاحادیث نور.
۴۷. نرم افزار المكتبة الشاملة.
۴۸. سایت مدرسه فقاها.

49. hassanhazrati.blogfa.com/post/29.
50. <https://civilica.com/doc/1385450>.